

ز گفتار بیغمبران در جهان
 چنین خاکدان نیست شایان مدح
 خوشا آنکه بفروخت گیتی به بیچ
 خوشا آنکه مهرش ندارد بدل
 خنک آنکه با دیده عقل دید
 خنک آنکه ایام معدود عمر
 بر اوارگان دیار بلا
 طیبانه او را درین شار سان
 چو این عالم جسم بر جانور
 بر اهل زمین بسته چون آسمان
 بنا خفتگان شب ابتلا
 همه خیر محض است و مانند او

فروزنده تر در شهوار نیست
 چنین زندگانی بهنجار نیست
 خوشا آنکه او را خریدار نیست
 وزین دار سودا نکونسار نیست
 که این دشت خارا است گلزار نیست
 ستمریشه چون چرخ دوار نیست
 بطومار او غیر تیمار نیست
 بسر جز مداوای بیمار نیست
 ستمریشه و زشب کردار نیست
 میان روز و شب بهریگار نیست
 همه شب مگر دیده بیدار نیست
 نکو سیرت و پاک گفتار نیست

برو محسن از بینوایی بمیر

گرت برگی از حسن رفتار نیست

(محسن شمس ملک آرا)

دو کتاب سود مند

بقلم آقای آکسروی

الفلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین الشیرازی :

چون این کتاب بزبان عربی تالیف یافته این مقدمه را در اینجا باید یاد نمود که پس از بر افتادن پادشاهی ساسانیان که ایران بدست تازیان افتاد و ایرانیان خواهی نخواهی اسلام پذیرفتند و زبان عربی و علوم عربی در سراسر این مملکت رواج یافت ایرانیان که باین زبان و علوم میپرداختند بر دو دسته بودند: دسته‌ای زبان و علوم عربی را تا حد کمال یاد گرفته، در آن زبان بتالیف کتاب

یا به نظر قصیده و شعر موپرداختند . چنانکه چند هزار تن از دانشمندان و مؤلفان ایران را میتوان شمرد که همگی بزبان عربی دارای تالیف میباشند . همچنین شعرای ایرانی که بهر بی شعر سروده اند بسیار و بیرون از شمارند . اگر روزی ایران بشمار دانشمندان و مؤلفان خود پرداخته فهرستی از نامهای ایشان تدوین نماید نود در صد این دانشمندان و مؤلفان ان کسانند که در زبان عربی تالیف نموده اند . نیز اگر روزی عربان فهرستی از کتابهای عربی تدوین نمایند هفتاد در صد انها کتابهایست که ایرانیان نوشته اند .

خدمتیکه دانشمندان ایران از ابن المقفع و سیبویه و حمزه سپاهانی و ابوبکر خوارزمی و زمخشری و بدیع الزمان همدانی و ابی الفتح بستی و عماد کاتب و صدها مانند این استادان بنام بزبان و ادبیات عربی کرده اند هرگز فراموش نخواهد شد و شك نیست که این دسته از مؤلفان و دانشوران ایران اگرچه بزبان و ملت بیگانه خدمت کرده اند مایه سرفرازی ایرانیان میباشند و در هر کجا که سخن از ترقی علوم و ادبیات عربی که در قرن های پیشین داشته رانده شود قسمت عمده فخر و مباهات بهره ایرانیان خواهد بود .

دسته دیگر از ایرانیان که بیاد گرفتن زبان و علوم عربی می پرداختند کسانی بودند که بتکمیل این زبان و علوم دست نیافته و تا این حد نمیرسیدند که بتوانند بهر بی کتابی نوشته یا شعری بسرایند و چون هنر نمائی در سرشت هر کسی نهاده ایگان هر ناگزیر بودند که هنر و علم خود را آشکار سازند اینست که در سخن گفتن و نوشتن باری تامی توانستند بنام هنر نمائی کلمات و جملات عربی بکار میبردند .

همین دسته از عربی دانانند که باعث خرابی زبان فارسی شده اند چنانکه اکنون هم بسیاری از آخوندان و ملایان از معلومات عربی خودتها

این استفاده را دارند که در سخن گفتن کلمات عربی بسیار بکار برده در قباله ها و دیگر نوشته ها تا میتوانند عبارت های عربی مینویسند . چنانکه بسیاری از آنانکه فرانسه یا زبان دیگری از زبان های اروپا را یاد گرفته اند نیز همین رفتار را دارند و از علم و دانش خود بیش از این فائده نمیخواهند که زبان پارسی را آلوده بکلمات و جملات اروپائی نمایند .

این سخن سر دراز دارد : مقصود آنکه اگر ما اکنون از زبان عربی و در آمیختن آن با فارسی گله داریم باعث این گله ما آن کسانی اند که عربی را ناقص یاد گرفته تنها برای خراب کردن زبان و ادبیات پارسی بکار برده اند ولی آن دانشمندان و مؤلفان استاد که به عربی تالیفات نموده اند نه تنها ما گله از ایشان نداریم بلکه آنان را مایه افتخار ایران میشماریم .

این کتاب شرح حال فیلسوف معروف ایران صدرالدین شیرازی هر که دانشمند معظم آقای حاجی میرزا ابو عبدالله مجتهد زنجانی به عربی تالیف و در شهر دمشق چاپ فرموده اند یکی از کتابهایست که باید قدر آنرا دانسته و مایه افتخار ایران شمرد .

مؤلف دانشمند این کتاب از دو جهت باعث سربلندی ایرانیان شده اند : یکی اینکه شرح حال یکی از دانشمندان و فیلسوفان بزرگ ایران را بزبان عربی شرح داده و یکچنین دانشمند بزرگ را در مجامع علمی عربی مشهورتر از مشهور ساخته اند که ناگزیر مایه مباهات ایرانیان است . جهت دیگر اینکه آقای حاجی میرزا ابو عبدالله با این تالیف گرامی خود ثابت کرده اند که آن هوش و فرهنگ ایران که نویسندگانی همچون ابن المقفم و بدیع الزمان و مانند آنان بیدید میآورد هنوز از میان نرفته است و هستند در میان ایرانیان کسانی که میتوانند در انشای فصیح عربی جانشین آنان باشند .

از گفتن بی نیاز است که نوشتن ترجمه حال یکی از فیلسوفان بزرگ و شرح فلسفه او با زبان عربی و چاپ آن در دمشق و هدیه گردنش بانجم

علمی شهر مزبور که کانون چندین تن از اسنادان بزرگ عالم عرب است کار هر کسی نیست . نویسنده چنین کتابی از یکسوی باید در فلسفه از شمار استادان باشد و از سوی دیگر در انشای عربی بلند ترین مقامی داشته باشد - آیا مایه افتخار ایرانی نیست که در میان مؤلفان و نویسندگان خود چنین دانشمند پر مایه ای را دارد !؟

آقای حاجی میرزا عبدالله تالیفات مهمه دیگر نیز تدوین و چاپ فرموده اند که از جمله رساله ایشان در باره « طهارت اهل کتاب » که در سه سال پیش چاپ نمودند و در میان اروپائیان هم مایه تعجب و هم خوشنودی گردید و این تالیف آخری آن دانشمند معظم از هر حیث در خور افتخار و مباهات ایران میباشد -
احمد کسروی

انتقاد بخامنه آقای اقا مهدی بشری

﴿ ابو مسلم مروزی ﴾

حضرت آقای مدیر محترم ارمغان در شماره دهم . مجله شریفه در شرح جغرافیای بلوک فریدن مرقوم شده بود که ابو مسلم مروزی فاتح معروف از اهل فریدن بوده است چون میدانم مثل بعضی اشخاص متعصب در مسائل علمی و تاریخی از انتقاداتی که نسبت بائسار قلمیتان میشود در نجش حاصل نمیفرمائید و مقصودتان کشف حقایق است لذا اگر اجازه فرمائید تحقیقانی که بنده در خصوص مولد حقیقی ابو مسلم کرده ام بعرض برسانم .

این فاتح بزرگ را مورخین بعضی اصفهانی و بعضی خراسانی نوشته اند و بگمان بنده جامع تر و موثق ترین منابعی که مولد ابو مسلم را معین کرده است (وفیات الاعیان) قاضی ابن خلکان است که مدیر محترم هم اشاره بان فرموده اند مورخ مذکور گوید (و کان ابوه من رستاق فندین من قریه یسمی سنجر د و قبیل انه من قریه یقال لها ماخوان علی سته فراسخ من مرو) فندین را معجم -